

# نماینده انجمن یا مجلس؟

هر نوشتاری بیانگر دیدگاهی است که دو گزینه در پیش رو دارد درست یا نادرست ، سنجش این امر برعهده خرد سنجیده شما بزرگواران می باشد . اگرچه این نوشتار قبل از انتخابات تهیه کرده بود ولی از آنجایی که بیم آن می رفت که جامعه در چنین شرایطی به صورت احساسی یا ابزاری از این نوشتار در جهت منافع خاصی استفاده کند تشخیص داده شد تا بعد از انتخابات البته با تغییراتی اندک ارائه گردد به این امید که شما بزرگواران در مورد این مسئله مهم با خرد خود نیک اندیشیده و آن را به نقد بنشینید تا بتوانیم الگوهای پیشرو و مترقی جامعه مان را بدرستی شکل دهیم .

کسب آراء و محبوبیت اجتماعی چگونگی تلقین دین و سیاست در جامعه زرتشتی بعد از ۱۴۰۰ سال بار دیگر به بزرگترین چالش فکری جامعه بدل گردید . براساس نظر اکثر فیلسوفان ، ادیان از سه جزء طریقت ، شریعت و حقیقت تشکیل شده اند . طریقت دین در حقیقت بن و اصل دین و مفاهیم پایه ای و معنوی آن می باشد و شریعت دین شامل سنت ، احکام و به عبارت ساده تر تمامی بخشهای ظاهری دین بوده و حقیقت دین غایت و بخش نهایی آن می باشد که انسان با تکیه بر طریقت و شریعت دین می تواند به آن دست یابد . به جرأت می توان گفت در اکثر موارد بخش شریعت دین به دلیل ظاهری بودن و ابزاری بودن آن توسط افراد با سیاست تلقین می گردد . و اما سیاست ، در حقیقت علم چگونه اداره کردن جامعه در جهت دستیابی به آرمانهایی چون ، آزادی ، عدالت اجتماعات ، احترام به حق افراد و زندگی خوب برای همه مردم می باشد .

دلیلی که اکثر فیلسوفان غربی برای جدایی دین از سیاست می آورند این است که دولت ایدئولوژیک با دخالت در همه ابعاد زندگی انسان ، آزادی را از او سلب می کند . ولی ایراد دیگری که به این دیدگاه ، یعنی جدایی کامل دین و اخلاق از سیاست می توان گرفت این است که در چنین ساختاری قدرت سیاسی به وجود خود به بزرگترین مانع جهت دست یابی به آرمانهای اجتماعی تبدیل خواهد شد . لذا اگر به این باور برسیم که سیاست جهت حل این معضل به عملی احتیاج دارد آن در حقیقت ، طریقت دین و مورد زرتشتیان تکیه کردن سیاست مداران بر مفاهیم عمیقی چون اشا خواهد بود ، نه استفاده ابزاری از سیاست (ظاهری) دین که در حقیقت استفاده ای از ابزاری از بزرگترین و الهی ترین مفهوم بشری ( دین ) به جهت دستیابی به اهداف سیاسی . در عبادت دیگر همانطور که جهت انجام امور دینی

سیاسی و اجتماعی پرداخته باشد . در اسطوره های ایران کیشخرو و در تاریخ کوروش هخامنشی نماد بزرگانی هستند که از روی طریقت دین ، جهانی نسبتاً آرمانی با تکیه بر مفاهیم راستی ، آزادمنشی ، عدالت اجتماعی ، احترام به حقوق افراد و استفاده از دانش اجتماعی برای ایرانیان پدید آوردند . ایرانیانی که با نژادها و ادیان گوناگون ، با احترام متقابل در کنار هم جامعه بزرگ آن دوران را اداره می کردند .

از طرف دیگر اوج استفاده ابزاری از دین را می توان دوران ساسانیان نامید ، دورانی که یونان با استفاده ابزاری از دین در جهت تحمیل عقاید سیاسی و کسب قدرت ، جامعه بزرگ و با بنیه زرتشتی را آن چنان تزلزل می مواجه ساختند که در نهایت منجر به آن شد که یکی از قدیم ترین و بزرگترین فرهنگهای تمدن ساز بشری تا امروزه نابودی بی پرورد . ملتی که تاریخ خود را نمانده مجبور به تکرار آن است ولی مسئله اینجاست که شاید جامعه کوچک و خسته زرتشتی تاب تحمل آزمودن تجربه های آزمون شده را نداشته باشد . همانگونه که تلقین طریقت (معنوی) دین زرتشت با اوج اجتماعی و سیاسی جامعه می تواند باعث شرفقت جامعه شده و از جامعه زرتشتی یک جامعه الگو و مترقی بسازد .

**روز چهارم**  
**اردیبهشت انتخابات**  
**چهلمین دوره**  
**انجمن زرتشتیان تهران**  
می باشد پس بر همه ما زرتشتیان از تمامی اقشار فرهنگی ، مدیریتی ، مسئولیت در رقابت انتخاباتی شرکت کرده و انجمنی با حضور افراد کارآمد و با فکر شکل دهیم



ایشان می باشد . به عبارت دیگر یک روحانی زرتشتی امکان دارد هر سخن مخالفی را برتابد و هر حرکت خیال خود را تحمیل نکند صرفاً به دلیل که خود را روحانی ، گناهناشناس و رکن دین زرتشت می داند . پس از شکست سنگین ایرانیان از جامعه جهانی و کوچک کردار زرتشتی در این دوران سخت و طاقت فرسای ۱۴۰۰ ساله بنا بر سبب زمانه تنها یک هدف داشته و آن حفظ و نگهداری از فرهنگ غنی و با ارزش زرتشتی بوده است به عنوان ابزاری استفاده کند جهت پیشبرد اهداف سیاسی ، تنها داروغه ای را می ماند که با شمشیری ( البته بسیار برنده ) مردم را به حرف شنی وادار می نماید . در طول تاریخ چند هزارساله زرتشتی کمتر روحانی را می توان یافت که به آن درجه از معرفت و سلوک دینی رسیده باشد که با ورود به سیاست بدون استفاده ابزاری از دین و تنها با تکیه بر اصول اخلاقی و پایه ای دین و البته دانش سیاست و مردم داری به کار

## موبد پدرام سروش پور



کار گیرد در انتها به زرتشت ، فرهنگ زرتشتی و جامعه زرتشتی ضربه زده است بلکه با ایجاد بی اعتنادی در جامعه نیز باعث پس رفت فرهنگی می گردد و البته از این مهم بزرگترین ارکان روحانیت جامعه زرتشتی ، نکشاش موبدان نیز مستثنی نخواهد بود . نهایت سخن آنکه در این برهه حساس از تاریخ جامعه بر تک تک ما زرتشتیان واجب است تا با ایجاد هماهنگی و همسنجی و تقویت ساختارهای جامعه هر چه محکمتر و مطمئن تر گام برداریم و میسر نمی گردد مگر آنکه ساختارهای جهت رهبری و هماهنگی حرکت تمام بخشهای جامعه شکل گیرد . برعکس آنچه که در دیدگاههای برخی از نمایندگان انجمنی دیده می شد رهبری توسط جامعه نباید مدرن امروزی را معنی نسیب است که یک شخص در راس کار از سایر بخشهای جامعه در جای خود و با تفکیر محکمتر و مطمئن تر گام برداریم و میسر نمی گردد مگر آنکه ساختارهای جهت رهبری و هماهنگی حرکت تمام بخشهای جامعه شکل گیرد .

روز چهارم اردیبهشت انتخابات چهلمین دوره انجمن زرتشتیان تهران می باشد پس بر همه ما زرتشتیان از تمامی اقشار فرهنگی ، مدیریتی ، مسئولیت در رقابت انتخاباتی شرکت کرده و انجمنی

باستان که آن هم با دلیل قابل اثبات می باشد که به این فلسفه نزدیک می باشد می تواند خود را دانشجو فلسفه زرتشت بداند دانشی که در سنجی دشوار و گسترده بودنش هنوز به عنوان رشته دانشگاه در هیچ دانشگاه معتبری در دنیا ثبت نگردیده است . در حالی که خوشبختانه در چند سال اخیر تعداد پیشروی از فرزندان زرتشتی در تلاش می زنند در حد تحصیل در رشته فرهنگ و زبان باستانی ایران و طی علمی و واقعیت مدارک فوق در ایران ، فرانسه و انگلستان می باشد . باید با دقت ، آگاهی و لمسوزی بیشتری نسبت به اینگونه نه زرخشهای فرهنگی مسئله مهم دیگر این است که شخصی در مقام روحانیت زرتشتی قصد دارد در صحنه سیاسی جامعه و کشور ظاهر شود . در حقیقت این زرتشت را در سطح بسیار گسترده ای از دیدگاه خود به جامع کل آن هم در مقام عمل ارائه می دهد و این کار بسیار حساس و مهمی می باشد . چرا که از یک راسی و اشاعه معرفی نامید ولی در عمل توانان این مفهوم را در اعمال و رفتار خود به صورت مطلق به

**جایزه پژوهش سال برای فولکلورشناس تاجیک**  
زینب خوشوقت

برخی از مورخان مشهور جهان در ایران کردم می آیند و در سه مرحله پژوهشها و آثار محققین ایران و جهان در بخشهای مختلف زبان و ادبیات شفاهی مردم فارسی زبان را بررسی می کنند . آقای رحمانی گفت در کتاب افسانه های مردم فارسی زبان افسانه های سه کشور مشغول بوده و اخیراً موفق شده است که این پژوهش خود را به نشر رساند . این محقق تاجیک گذشته از قلمرو تاجیکستان در مناطق فارسی نشین آسیای میانه از جمله سمرقند ، بخارا و وادی فرغانه نیز تحقیقات خود را دنبال کرده است . آقای رحمانی در باره پژوهش خود در افغانستان محدود ۲۰ سال پیش در افغانستان

**گستره اسطوره**  
کتابخانه تخصصی زبان فارسی

اندیشمند ایرانی دربارۀ «پدیدار شناسی اسطوره»؛ کتابی نثر زاویر دربارۀ «اسطوره در فرهنگ مردم»؛ مصطفی ملکیان دربارۀ «اسطوره»؛ قصه های رمزین و بعد شاعرانگی «دین»؛ پدالده موفین دربارۀ «اسطوره»؛ ایدئولوژی و روششناسی ما» و حوزا یابوری دربارۀ ارواحنوی و اسطوره» گفت و گو کرده است. اسطوره میخنی گستره است که فیلسوفان ، نویسندگان ، روانشناسان ، مورخان ، انسان شناسان ، شاعران ، باستان شناسان و حتی مذهبیون ، در طول تاریخ از زایه دیدگاهی متفاوت چشم اندازی خاص به آن داشته اند . این کتاب نیز گستره ای برای گفت و گو انتخاب شده اند ، فیلسوف ، روان شناس ، ادیب ، انسان شناس ، اسطوره شناس ... و ... است . گفت و گوهایی محمدرضا ارشاد با سیزده

**گستره اسطوره از ۱۳ اندیشمند ایرانی، منتشر شد**  
میراث خیر- گفت و گو با سیزده اندیشمند ایرانی در خصوص اسطوره، قصه های رمزی ، ایدئولوژی ، شاعرانگی دین ، تحول اسطوره های ایرانی ... در قالب کتابی با عنوان گستره اسطوره توسط نشر هرمس منتشر شد .

**عقد شما مبارک**  
فروشگاه لوازم آرایش پیداشنی باران



مردم بخوانند

بعد از ظهر هر چهارشنبه که در امراد در گروه مردم دور هم جمع می شدیم و هر بار که نامه های شما را می خواندیم ، درد دلی خوانده می شد و یا مشکلی از سوی شما مطرح می شد که البته حرف دل ما هم بود ، با چاپ کردن آن فقط به این فکر می کردیم که شاید مسوولان و یا دیگران آن را بخوانند و مشکلی حل شود که البته گاهی این اتفاق می افتاد و گاهی هم باز خود شما در نامه ای به آن شخص راهی را برای حل مسائل پیشنهاد می کردید و یا مشکل او را تایید .

و اما گروه مردم در سال جدید و با آغاز دوران جدید در جامعه قصد دارد مردمی تر باشد و لازمه این مردمی بودن بیشتر شدن ارتباط شما با ماست . از این پس از هر چه دوست دارید بنویسید ، مشکلات ، خاطرات ، دوستان ، پدر ، مادر ، فرزند، درد دل و هر چه ... وما به غیر از نوشته هایمان منتظر خودتان هم هستیم منتظر آن که در گروه مردم ، مردم را ببینیم ، با هم بیاندیشیم زیرا که تنها راهی که در این چند سال برای حل و فصل مشکلات یافته ایم با هم بودن بدون هیچگونه غرضی است .

منتظریم ...



جشن نوروز

جشن نوروز در بین مردم استان گیلان

گیلان یکی از استان های ایران است که مردمش بسیار پاینده سنت ها و آداب و رسوم گذشته خود هستند و مردم گیلان از تیره های روس و آذربایجانی باکویی سرمقدنی نیز می باشند اما در کل همه آنها ایرانی اند و پاینده سنت های اصیل ایرانی خود .

بنا به اعتقاد و باور آنان روان ، روح یا همان فروهر درگذشتگان قبل از سال نو به زمین می آیند و به مدت ده شبانه روز در کنار خانواده خود اعم از دختر و پسر و نوه و ... می مانند . و آنها برای شادی شان و احترام به روان درگذشتگان از اولین روزهای اسفند ماه شروع به خانه تکانی و تمیز کردن خانه و کاشانه و عمل خود می کنند تمام سستی ها را شسته و گرد و غبار را از روی تمام اشیاء پاک می کنند و این خانه تکانی را تا ده روز مانده به پایان سال و یا تا آخرین چهارشنبه سال به پایان می رسانند و این کار را طبق دو باور انجام می دهند اول اینکه روان درگذشتگان در ده روز آخر سال به زمین می آیند و تا روز اول سال نو در کنار آنها می مانند پس خانه باید تمیز و مرتب باشد و پس از عطر و عود ، کندر و سنبل و ... باشد تا روان درگذشتگان آنها را مرتب و هماهنگ با جهان هستی ببینند و برایشان آرزوی برکت و بهروزی کنند.

دوم اینکه : تا آخرین چهارشنبه سال که مراسم آتش افروزی یا همان چهارشنبه سوری را می گیرند ، باور دارند باید خانه تمیز و مرتب و پاکیزه و دور از هر گونه تلودگی و پلیدی باشد تا چهار شنبه خاتون از آنها راضی باشد و برایشان آرزوی موفقیت و شادی کند و به باور آنها چهارشنبه خاتون بانویی است که از آب ها ، نهر ها و چشمه های زلال و پاک بیرون می آید و نزد مادران و دختران می رود.

و باور دیگر آنان این است ، در آخرین روز در ۵ روز آخر سال در هنگام شب در حیاط خانه خود آتش روشن می کنند و اسپند دود می کنند و آن به این دلیل است که روان درگذشتگان را به عالم منی بدرقه می کنند و اسپند را برای چشم نخوردن و اینکه به روان درگذشتگان بگویند . همیشه به فکر آنها هستند و سرخی آتش را برای خود و زوری رخ خود را برای آتش آرزوی می کنند و در کنار آتش تمام خواسته ها و آرزو های سال جدید خود را از خدا می خواهند و می خوانند که اجاق خانواده شان همیشه روشن باشد.

عمو نوروز و بابایفروز یکی دیگر از سنت هایی است که آنها انجام می دهند دو مرد فرقی ندارد جوان باشند یا پیر از اولین روزهای اسفند ماه خود را به شکل عمو نوروز و بابایفروز در می آورند به این ترتیب که چهره و دست هایشان را سیاه می کنند و لباس قرمز رنگ و کلاه قرمز مشکی بر سر می گذارند و در شهرها و روستا ها به راه می افتند و با موسیقی و رقص نوروز را به تمامی مردم تبریک می گویند و برای مردم در سال نو آرزوی تندرستی می کنند .

یکی دیگر از این مراسم با شکوه سفره همیشه جاودان هفت سین است که تمام ایرانی ها این سفره را پهن می کنند با یک سری تفاوت های بسیار اندک . بنا به باور آنها سفره هفت سین باید از مجموعه های زیر تشکیل بشود .

- ۱- هفت نوع چیزی که با سین شروع شده باشد مانند سبزه ؛ چیزی که وجودش در سفره نوروزی ضروری است و نشانه جان گرفتن دانه ها و رویش گیاهان و تازه شدن زندگی در بهار است و برای سبزه از دانه های گندم و ماش و عدس و تره تیزک استفاده می کنند . سیب و سنجد و در کنار آنها انار را که سه میوه بهشتی می دانند . سیب و سنبل ، سکه و سیر و ...

- ۲- کتاب مقدس
- ۳- آینه و گلاب
- ۴- آجیل و خشکبار مثل بادام و پسته و فندق و ... و در کنار آنها عدس و برنج پوداده شده
- ۵- میوه
- ۶- شیرینی های سنتی
- ۷- شمع که نشانه آتش و اجاق خانوادگی است
- ۸- عود و کندر و سنبل
- ۹- شاخه سبز مورد و انار
- ۱۰- ماهی

۱۱- در بعضی از سفره ها شاهنامه فردوسی و در بعضی از سفره ها کتاب حافظ نیز گذاشته می شود . اما بعد از تحویل سال نو پدر و مادر اول سال نو را به فرزندان خود تبریک می گویند و هدایایی که از قبل برای هم در نظر گرفته بودند را به یکدیگر می دهند و روز اول فروردین را به پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها و بزرگ خانواده اختصاص می دهند .

و بیشتر مراسم عروسی و جشن ها را در نوروز بخصوص در روز ششم فروردین جشن می گیرند چون این روز را روزی خوب و نیک و پر از برکت و مهر می دانند و بسیاری از مراسم ها مانند عروسی تولد و جشن های دیگر را به این روز اختصاص می دهند .

و در طول تعطیلات نوروزی به دید و بازدید از اقوام و دوستان و آشنایان خود می پردازند و آخرین روز از تعطیلات نوروزی یعنی سیزدهم فروردین که به سیزده به در معروف است به بیرون کشیدن سفره ها و روستاهای خود رفته و در کنار رود و سبزه و برکه ها و چشمه ها می روند و آن روز را تا شب به شادی و پاکبویی می پردازند .

۷- پس از آنکه موزه عکس ها را ترک کردید به یکی دیگر از موزه های کاخ می رسید که در جنب آن رستوران سنتی قرار دارد . نوشیدن یک فنجان چای می تواند حسنگی شما را به در کند . حتی اگر بازدید شما از صبح شروع شده باشد ، صرف ناهار نیز خالی از لطف نیست .

۸- موزه مردم شناسی گیلستان آخرین موزه این مجموعه است و یکی از کاملترین موزه های مردم شناسی کشور است . اما شما بازدید از این موزه را با راهنمایی کاخ انجام دهید . در غیر این صورت کمی کسالت آور می شود . از دیدنی های نام آشنای زرتشتیان در این موزه لباس مرد و زن زرتشتی است و همچنین آشنایی که اهدایی مجتمع مارک به موزه است . با کمی دقت می توانید کنده کاری روی آن را ببخوانید و خلاصه اینکه هر چه از این موزه و دیدنی های آن بگویم کم است و در یک کلام شنیدن کی بود مانند دیدن و باز هم تاکید می کنیم به هر قیمتی راهنمایی برای بازدید از این مجموعه برای خود دست و پا کنید .



۵- شمس العمارة نیازی به معرفی ندارد ، شاید هیچک از عمارت های دوران قاجار در ادبیات فولکلور به اندازه شمس العمارة بازناب نداشته باشد . شما اگر بلیت تهیه کرده باشید ، تنها یک طبقه از سه طبقه این بنای نامدار دوران قاجار را می توانید ببینید که البته دیدن آینه کاری و گچبری های همین یک طبقه هم آنقدر لذت بخش هست که سفارش کنیم شما از آن دیدن کنید و دیدنی تر خواهد شد اگر راهنمایی برای شما در نظر بگیرند .

۶- یکی از موزه های مجموعه گلستان ، عکسخانه گلستان است . نخستین عکس هایی که پس از ورود دوربین عکاسی توسط ناصرالدین شاه از فرنگ از مناظر ایران گرفته شده است ، در این عکسخانه نگهداری می شوند . نکته جالب آن است که بسیاری از این عکس ها با خط مشخص شاه زیر نویس شده اند اگر کمی زحمت به خود بدهید و سعی کنید دستخط نه چندان خوانا ناصرالدین شاه را بخوانید روز خاطره انگیزی برایتان به جا می ماند به اضافه اینکه بسیاری از عکسها زمانی جالب می شوند که موضوع آنها مشخص شوند . عکس هایی نیز هستند که توضیحی ندارند از آن جمله عکس دخمه تهران که تا آنجا که ارباب یکپسرو و شاهرخ زمین های قصر فیروزه را خریداری کردند جایگاه ابدی زرتشتیان تهران بود .



نمی دانم تا به حال از مجموعه کاخ گلستان دیدن کرده اید یا نه اما چه آن را دیده باشید و چه ندیده باشید ، اگر در تعطیلات نوروز در تهران بودید از این کاخ و بهار زیبای آن دیدن کنید .

۱- کاخ موزه گلستان در میدان پاتزده خرداد قرار دارد . این کاخ که در دوران قاجار در اوج رونق و شکوفایی قرار داشت ، اینکه با جمع آوری آثار و بقایای فرهنگی این دوره یکی از کاخ موزه های دیدنی تهران است . اگر برای رسیدن به کاخ موزه از خیابان داورغور می تهران کنید به نقش های کنده کاری در سمت دادگستری تهران توجه کنید . نقش فرشته عدالت یونانیان در یک سو و نقش کنده کاری انوشیروان دادگر در سوی دیگر تلفیقی زیبا از نمادهای غربی و شرقی عدالت را در برابر دیدگان شما به نمایش می گذارد .

۲- هنگام ورود به کاخ گلستان و پس از تهیه بلیط «ایوان شاه» روبروی در ورودی شمامست . اگر خواستید به طور مرتب و در جهت عقربه های ساعت از مجموعه گلستان دیدن کنید از این ایوان شروع کنید . ایوان شاه می اکنون با پرده ای بزرگ به صورت تالاری در آمده و از دور این پرده بزرگ اولین چیزی است که جلب نظر می کند . دو ستون بزرگی که در ایوان چشم می خورد ، متعلق به ارگ کریمخان است که از آنجا به کاخ آورده شده است . تخت معروف و بزرگ آن که شاه به هنگام نوروز

زیبایی دو چندان کاخ گلستان در بهار

**بچه ها بخوانند!**

یک سال دیگر هم گذشت . قرار است تا چند روز دیگر سال نو بیاید . وقتی سال نو می آید همه بچه ها یاد لباس نو ، کفش نو ، سفره هفت سین و از همه مهمتر عیدی های جور و جور می افتند .

**بچه ها دوست دارند تا بزرگتر ها به آنها اعتماد کنند . ما هم برای اینکه این کار را انجام دهیم می خواهیم از این به بعد تمام بچه های ایران را در صفحه مردم داشته باشیم . برای همین بهم بود که از سال نو شروع کردیم و از بچه ها خواستیم تا درباره عید بنویسند .**

بعد از این هم این کار را ادامه می دهیم . بچه های خوب ایران نامه هایمان را برای ما بفرستید . قول می دهیم آنها را چاپ کنیم و مثل بعضی از بزرگ تر ها زیر قولنامه نزنیم!

کادر می ...  
نوسال ...  
همینست ...  
شاهنامه ...  
آست ...  
کسو ...  
دینستان ...

سلام به همه ...  
احمد ابدالی ...  
داشته ای ...  
راستی ...  
ارزش ...  
آرزو ...

مادر عزیزم ...  
مادرم ...  
بزرگ ...  
می نویسم ...  
مسافرت ...  
دیدن ...  
فرشته ...

بچه ها ...  
کلاس ...

**کتابخانه زمان**  
**پخش و فروش**  
**نرم افزار کتابخانه زمان**  
تلفن و پیام گیر: ۶۷۲۱۴۴۴  
در صورت تقلبی بودن این CD قسمت اطلاعات آن فعال نخواهد بود.

با اندوه فراوان  
در گذشت سرهنگ اردشیر بهرام نورآیین  
را به برادر گرامی آن روانشاد  
آقای مانگی نورآیین  
و خانواده آن روانشاد  
تسلیمت گفته ،  
دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم .  
دیربان و دانش آموختگان دبیرستان ایرانشهر

